

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائق رستاقی

۲۲ دسمبر ۲۰۲۲

جنایت تازه طالبان – بستن دانشگاه ها به روی دختران افغانستان



عکس فرمان رسمی وزیر سرپرست امارت اسلامی طالبان ملا "ندا محمد ندیم" برای

بستن درب دانشگاه های دولتی و خصوصی به روی دانشجویان دختر در افغانستان

گروه مزدور، مرتجع، زن ستیز و فرهنگ ستیز طالبان مولود نامشروع همآغوشی امپریالیسم غربی به رهبری امریکا و ارتجاع اسلامی حاکم بر کشور های منطقه و پاکستان است. این گروه منافق در نقش پروژه نو استعماری و ابزار جنگ نیابتی قدرت های متنازع در کشور، هنگام شکست ستراتیژی اشغالگرانه و هزیمت نیرو های اشغالگر امپریالیستی در افغانستان اشغال شده پس از تکمیل تمهیدات لازمه قانونی در دوحه و میدانی در داخل کشور ما، به جای دولت پویشالی مزدور غنی در ارگ مزدوران قبلی امریکا – ناتو انتقال یافته و نصب شد. در هنگام مذاکرات و

آستانه قرارداد ننگین دوحه و تحمیل شده بر این گروه مزدور ضد ملی، اربابانش، به ویژه امریکائی ها این جا و آن جا به تکرار ززمه می کردند که طالبان امروز تغییر کرده و طالبان دیروز نیستند.

طالبان به مثابه یک گروه ناهمگون و از نگاه قبیله ئی و مراکز قدرت جناحی، ساختار و کارکرد نامنسجم، نامتجانس و نامتشکلی دارد. این عدم انسجام و تجانس در سیاست، رویکرد و مواضع ناهمسان آحاد این گروه، از بافت ناهمگون، فزونخواهی جناحی، مزدوری مضاعف این گروه به چندین مراکز استخباراتی، و تضاد منافع حامیان بیرونی آن در افغانستان امروزی، ناشی می شود.

این رویکرد های متضاد و ناهماهنگ جناحی مراکز قدرت بازتاب خود را در عرصه های دولنداری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قومی، جنسیتی، علمی، آزادی های مدنی و بیان و سیاست خارجی و تعهدات الزام آور نهان و آشکار این گروه به قدرت های امپریالیستی و نهاد های مرتبط و تحت نفوذ این قدرت ها مثل " ملل متحد"، نشان می دهند.

به طور کلی طالبان گروهیست با کاراکتر طبقاتی ارتجاعی "فئودالی" و "بورژوا - کمپرادوری" با نگرش یک بعدی که جهان را یا سیاه یا سفید دیده و سوی این دو رنگ قادر به بینائی سائر رنگ ها و واقعیت وجودی فکری، سیاسی، اجتماعی، قومی و جنسیتی و فرهنگی در جامعه و جهان نبوده و آن را بر نمی تابد. نگرش جنسیتی ویژه این گروه به غایت مرتجع و زن ستیز و رویکرد گروه و "امارت اسلامی" طالبان در قبال نیمه جامعه که همانا زنان و حقوق حقه انسانی شان است، نگرش و رویکردی است زن ستیز، شوونیستی، خصمانه، مردسالار، تبعیض آمیز و ضد انسانی. با چنین موضع و تفکر سراپا ارتجاعی و فرتوت بازدارنده در برابر نیاز زمان و سیر تاریخ؛ گروه طالبان برخاسته از گورستان تاریخ و از بستر بدویت تاریخی - فرهنگی، مثل اسلاف صد سال قبلش، از بدو انتقال دولی رهبران شان به ارگ مزدوران قلبی امپریالیسم امریکا در نقش یک نیروی بازدارنده ارتجاعی پویه و تکامل تاریخ، به تاریخ فرمان ایست داده و حقوق ناچیز کسب شده زنان کشور را قدم به قدم از آنان پس گرفته و خود زنان را به زندان خانه فرستاده و افغانستان را به سویه ملی به زندان مردم آن مبدل کرد. طالبان با اتخاذ و انفاذ این سیاست های ماورای ارتجاعی، ضد ترقی و ضد مقام والای انسان افغانی، مخالفت خود را با هر نوع تحول، دگرونی، ترقی، رویش و بالندگی همسو با سیر حرکت تاریخ، اعلام داشته اند.

نباید فراموش کرد که اتخاذ سیاست ها، مواضع و ماهیت به غایت ارتجاعی گروه و امارت طالبانی به حیث نیروی طفیلی خون آشام، ستمگر، استثمارگر و تاراجگر از روز نخست تا این دم، - به رغم حمل تضاد ظاهری در پاره ای از موارد با انتظارات ریائی و غیرارزشی اربابان امپریالیستی اش - در هماهنگی و همسوئی کامل با ماهیت ضد ملی و خودفروختگی گروه طالبان و امارت جنایت اسلامی اش به امپریالیسم جهانی اعم از غرب و شرق، به ویژه امریکا قرار داشته است و پس از این نیز روی مسائل اساسی چنین خواهد بود.

گروه نامتجانس طالبان به طور عمده متشکل از رهبران جناح ارتجاعی قومی متشدد با خصلت "فئودال - کمپرادوری" در ولایت های جنوبغرب با مرکزیت قندهاری ها و جناح متشدد تر ولایت های جنوبشرقی غلجائی به محوریت خانواده حقانی است که برخی سران طالبان هلمندی و غیرپشتونی در بین این دو، اقلیت ناچیز را می سازند. این تضاد های جناحی هر از گاهی در اتخاذ سیاست ها و رویکرد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، هزینه پول های سرازیر شده از غرب، و روابط بیرونی عمومی و جناحی این گروه تبارز خود را آشکار می سازد.

در مورد نگرش و اقدام های زن ستیزانه طالبان، محروم ساختن زنان و دختران عمدتاً زحمتکششان کشور از کلیه حقوق و به ویژه حق کسب تعلیم و تحصیل، ازدواج های اجباری طالبان با دختران جوان و نوبالغ، تعدد ازدواج توسط تعدادی

از رهبران این گروه، برپائی محاکم صحرائی برای زنان و مردان خاکی بدون دادن حق دفاع و داشتن وکیل به متهمان، صدور احکام عجولانه و بدون تحقیق و شهود و مدارک کافی و لازم برای اصدار حکم منصفانه توسط ملا های بی خبر از حقوق مدنی متهمان، سنگسار و شلاق زدن، و اجرای حکم قصاص در محضر عام و سائر موارد؛ بدویت تاریخی - فرهنگی، دگماتیسم و تحجر فکری طالبان و مراجعه این گروه به احکام قرآنی و احادیث نبوی ۱۴۰۰ سال قبل را مؤثر می دانند. طالبان به مثابه یک گروه افراطی متشدد و متحجر دیوبندی، به ویژه جناح حقانی جهادی و استشهادی نزدیک با مواضع پاکستان و محافل اسلامیستی پاکستانی در قبال زنان، حقوق اجتماعی زنان، رفتار با زنان، مکتب و تحصیل زنان موضعی فرتوت و ارتجاعی چهارده قرن پیش دارد که آمیخته با چاشنی مردسالاری، تبعیض، خشونت و انکار حقوق و جایگاه بایسته انسانی و همتراز دانستن زنان در همه عرصه های زیربنائی و روبنائی جامعه با مردان است. جناح فئودال - کمرادوری تسامح پذیر قندهاری نزدیک با امپریالیسم امریکا حین داشتن علایق و روابط پیدا و پنهان با دولت و سازمان سیای امریکا و دول و سازمان های عضو ناتو، همزمان با تمسک به قرآن و حدیث در بخش های فرهنگی و اجتماعی و تکلیف و حقوق اجتماعی زنان و حفظ و راضی نگه داشتن پایگاه قومی بدوی توده ئی - انسانی گروه طالبان و رعایت تعادل و تسامح با جناح رقیب غلجائی تا زمان غلبه بر آن و یا کنار زدن آن، و فاصله گرفتن از مواضع محافظه کار و ارتجاعی فئودالی و گرایش عمده به سوی ارزش ها و الزامات کمپرادوری؛ تضادی حدت یابنده را در مواضع و رویکرد های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جناح خود حمل می کند.

در این ضمن لازم به یادآوری است که تمامیتخواهی سیاسی، جنسیتی و قومی گروه و امارت طالبان ناشی از تمامیت خواهی و برتری جوئی دینی - ایدئولوژیک و ماهیت ضد ملی سران این گروه مزدور و مرتجع به صورت کل و شامل هر دو جناح آن، است. در پیوند با توضیحات در مورد ویژگی های فوق الذکر طالبان از منظر ملی، اجتماعی، طبقاتی، سیاسی، فکری، فرهنگی، قومی و جنسیتی است که سیاست های مختلف "امارت اسلامی" طالبان به ویژه در قبال زنان و عرصه های اجتماعی، فرهنگی و علمی، و خاصه تر تعلیم و تحصیل دختران توضیح و تبیین خود را می یابد. با این مقدمه به اصل مطلب می پردازیم.

گروه ضد ملی، فاشیست، شوونیست و زن ستیز طالبان از ابتدای رسیدن به ارگ مزدوران امریکا تا کنون قدم به قدم بر عرصه های مختلف زندگی زنان و دختران کشور تاخت که این جا اهم این امتیازات و حقوق سلب شده زنان افغان توسط "امارت اسلامی" طالبان جنایت پیشه را به طور مختصر فهرست کرده و برای تفصیل آن، خوانندگان محترم را به آرشیف خبرگزاری ها ارجاع می دهیم:

- ۱- منع زنان افغانستان از کار در بیرون از خانه و فرستادن آنان به خانه، (از بدو امر تا امروز)؛
- ۲- برخورد خشن و اهانت آمیز افراد مسلح طالبان با معترضان حقوق زنان و به تازیهانه بستن فعالان حقوق زن در جاده ها، (۰۵ سپتمبر ۲۰۲۱)؛
- ۳- اعلام کابینه مردانه و مردسالار طالبان بدون موجودیت حتی سمبولیک یک زن، (۰۷ سپتمبر ۲۰۲۱)؛
- ۴- "غیرضروری" نامیده شدن ورزش زنان توسط اداره طالبان، (۰۸ سپتمبر ۲۰۲۱)؛
- ۵- انحلال و حذف وجود نمادین وزارت پوشالی امور زنان در دولت مزدور "کرزی - غنی" توسط طالبان، (۱۷ سپتمبر ۲۰۲۱)؛
- ۶- محدودیت شدید کاری برای خبرنگاران زن در کابل و سائر ولایت های کشور، ((۱۷ سپتمبر ۲۰۲۱)؛
- ۷- تحمیل اجباری حجاب بر زنان توسط طالبان، (جنوری ۲۰۲۲)؛

۸- جداسازی جنسیتی در دانشگاه ها؛ حضور دانشجویان دختر در برخی از صنوف درس با تفکیک جنسیتی، (۰۳ جنوری ۲۰۲۲)؛

۹- محروم ساختن دانش‌آموزان دختر از درس از صنف هفتم به بالا تا آخر دوره ثانوی، (۲۳ مارچ ۲۰۲۲)؛

۱۰- ایجاد موانع رسمی برای رانندگی زنان، (۰۳ می ۲۰۲۲)؛

۱۱- اجباری ساختن پوشش صورت زنان در فضای عمومی، (۰۷ می ۲۰۲۲)؛

۱۲- اجباری شدن پوشاندن صورت مجریان تلویزیونی زن، (۲۱ می ۲۰۲۲)؛

۱۳- ربودن زنان و مردان مخالف و معترض با ستمگری و سیاست های فاشیستی طالبان، شکنجه جسمی و روانی آنان با روش های ترور و ارعاب و تهدید ناموسی (از ابتداء تا امروز)؛

۱۴- و اینک صدور فرمان بستن دانشگاه ها به روی دختران دانشجوی افغانستان، (۲۹ قوس ۱۴۰۱ ش).

بر پایه نشر مکتوب رسمی سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان توسط رسانه ها که این جا مشاهده می کنید، سرپرست زن ستیز و دانش ستیز گروه طالبان طی نامه ای رسمی دستور بستن بیدرنگ عملی دروازه های تمامی دانشگاه ها را به روی دختران کشور داده و آموزش دختران دانشجو را به حالت تعلیق درآورده است.

سراپای رهبران و حتی گروه های پائینی فریب خورده، تطمیع و خریده شده طالبان آکنده از خیانت و جنایت به کشور و مردم است. اعمال ضد بشری و زن ستیزانه یک و نیم ساله اداره ضد ملی و ضد مردمی طالبان فروخته شده را در فوق فهرست کردیم. از آن میان این اداره ضد ملی به تاریخ ۲۳ مارچ سال روان میلادی به بهانه واهی نبودن امکانات و شرایط مناسب، ولی در واقع بر اساس مخالفت صریح این گروه با حقوق و بیداری زنان در جامعه و ناتوانی از تهیه نصاب و مخارج درسی، درب مکاتب را به روی شاگردان دختر از صنف هفتم به بالا بست. اینک همین گروه فوق ارتجاعی فرهنگ ستیز درست پس از گذشت هشت ماه و شش روز از آن تاریخ، درب ورودی دانشگاه های دولتی و خصوصی را در کشور به روی دانشجویان دختر مسدود ساخت. این اوج توحش ارتجاعی و بدویت تمدنی وحوش طالبانی در قرن بیست و یکم است. این فاز دوم و تکامل جنایت نخستین طالبان در بخش تعلیم و تحصیل زنان کشور است. در حالی که طالبان این جنایت را در روشنائی روز انجام می دهند، آفریدگاران، حامیان و ولی نعمتان استعمارگر و نژاد پرست طالب در "جهان آزاد" (امپریالیستی) که به دروغ خود را مدافع و منادی حقوق بشر و حقوق زنان می تراشند، در قبال جنایات مکرر مزدوران طالبی شان مثل همیشه اغماض و سکوت توأم با نق نق ملایم ریاکارانه را در پیش گرفته اند؛ آن جنایت را در کمال بی تفاوتی نظاره و با ارسال پول وافر تقویت بخشیده و از برخورد قاطع حقوق بشری در برابر نقض صریح حقوق زنان و دختران ستمکش و در مجموع زحمتکشان تحت ستم افغانستان در جهنم ایجاد شده توسط آنان و طالبان، عامدانه ابا می ورزند.

سوای به قدرت رساندن جنایتکارانه و توطئه گرانه گروه مزدور وحشی فرهنگ ستیز و تمدن ستیز طالبان بر اریکه "امارت"، سوای جنایات پیهم سیستماتیک و هدفمند گروه و امارت طالبان در همسویی کامل عربیان یا پنهان با امپریالیسم و ارتجاع منطقه و سوای تفاهم و اغماض منادیان دروغین حقوق بشر، دموکراسی، حقوق زن و لیبرالیسم در "جهان آزاد" امپریالیستی بر این ستمگری و جنایات هولناک حاکمان پوشالی طالبی به کمک امپریالیسم در حق افغانستان پایمال شده و خلق مظلوم آن اعم از زنان و مردان ستمکش، بی حقوق و استئمار و غارت شده؛ این خود ستمکشان اند که آگاهانه و متحدانه علیه ستم و سرکوب ستمگران به پا خاسته و برای احقاق حقوق سلب شده شان باید بشورند. زیرا نه معجزه ای در کار است و نه نیروئی به مدد و نجات شان می شتابد. در دو حالت، این ستمکشان با سکوت و رضای خود نگهدار ستمگران اند، ولی با عصیان خود، سرکوبگر ستمگران.

در حالت دوم، کسب مجدد حقوق، جاهت، امتیاز و جایگاه اجتماعی ریبوده شده زنان و مردان بی حقوق و طرق اشراف بر این حقوق و راه ها و روش ها و ابزار ستاندن آن، باید توسط خود محرومان و ستمکشان با انسجام و بسیج صفوف شان، صورت گیرد. این را تاریخ مبارزات آزادیخواهی علیه استبداد، ارتجاع و استعمار و امپریالیسم در اکناف گیتی به ما می گوید. آری، این درس تاریخی که در کشور و جهان به قیمت خون و عرق میلیون ها انسان عصیانگر علیه ستم، استثمار، استبداد و جنایت ارتجاع، استعمار و امپریالیسم حاصل شده، را باید فرا گرفته و طبق آن به گونه جمعی عمل کرد. این درس و نهیب تاریخ خطاب به آنانی است که به قول زنده یاد سرمد، "سر سازش با خصم نداشته" و مصمم به دور انداختن یوغ سنگین و پاره کردن زنجیر جبر ستمگران بومی و بیرونی بر دست و پای ستمکشان کشور، اند. این درس حتی بلاتکلیفان، افراد متوهم و سرگردان و خطاکاران اصلاح پذیر را به گرائیدن به سوی اصولیت مبارزاتی، تفکر و تحرک جمعی فرامی خواند؛ ولی خطاب به بی دردان و سبکباران بی رسالت ساحل ها نیست. پایان